

مراجعه و مشروعیت آن در روایات

و آرای فقهای اسلامی

پژوهشگر: حمیدرضا تاجیک، کارشناس ارشد حقوق خصوصی
رییس شعبه خاتون آباد-مدیریت جنوب تهران

گاهی اصطلاحات جدیدی در سیستم بانکی به گوش می‌خورد که به صورت بنیادی و ریشه‌ای اطلاع‌چندانی راجع به آنها نداریم. یکی از واژگانی که اغلب در بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌های اخیر بانک‌ها مشاهده می‌کنیم، **مراجعه** است. بخشنامه تسهیلات خرد براساس عقد مراجعه، دستورالعمل کارت اعتباری بر پایه عقد مراجعه و نحوه استفاده از عقد مراجعه در گشایش اعتبارات اسنادی از جمله موارد استفاده از عقد مراجعه در سیستم بانکی می‌باشد.

لذا ضروری است، ابتدا همکاران اطلاعاتی چند در خصوص پایه و اساس شکل‌گیری عقد مراجعه کسب نموده و سپس از کاربردهای آن در عملیات بانکی مطلع شده و بدانند، این عقد دارای چه ویژگی‌هایی است که بناسط جایگزین عمده عقود متداول نظام بانکداری گردد. در این پژوهش، هدف این است که معنا و مفهوم اصطلاح مراجعه و کارکردها و کارویژه‌های آن در عملیات بانکی بیان شود و جهت تفهیم بهتر و اجرای صحیح‌تر آن در عملیات بانکی در اختیار همکاران قرار گیرد. به دلیل وسعت و گستردگی مباحث و کاربردهای مراجعه، در این نوشتار تنها به شناخت مراجعه و بررسی مشروعیت آن در اسلام بسنده شده و در مقالات بعدی در شماره‌های آتی ماهنامه بانک به آنها پرداخته خواهد شد.

مراجعه یکی از انواع بیع بوده که براساس فقه اسلامی طراحی شده است. عقد بیع از جهات مختلف دارای تقسیم‌بندیهای متنوعی می‌باشد. یکی از آنها، انواع اقسام بیع از لحاظ اطلاع‌بایع و خریدار ازبهای تمام شده کالا، سود و عدم آن بوده که شامل بیع مساومه، مواضعه، تولیت و مراجعه است. بنابراین، جایگاه مراجعه، در انواع و اقسام بیع از لحاظ خبردادن ازبهای پرداختی مبیع (قیمت کالا و سود آن) توسط بایع، تعیین شده است.

به زبان ساده تر در مراجعه، فروشنده کالا (در اینجا بانک) می‌بایست قیمت تمام شده کالا که شامل قیمت خرید خود و کلیه هزینه‌های مترقبه همچون هزینه حمل و نقل، بیمه و... تا لحظه انعقاد قرارداد بوده را به علاوه سود مورد انتظار خود به اطلاع خریدار (در اینجا مشتری بانک) برساند. در مراجعه این موضوع (اطلاع طرفین از قیمت کالای موضوع مراجعه و سود مورد توافقی) از چنان اهمیتی برخوردار است که در صورت عدم رعایت آن مراجعه صورت نپذیرفته و مشتری حق فسخ معامله را خواهد داشت.

شناخت مراجعه

مراجعه در لغت

مراجعه بیع و فروختن است به زیادت قیمت نخستین، نیز به سود فروختن چیزی و سود دادن کسی را به متاع او تعریف شده است. مراجعه، اعطاءالریح، أخذالفائدة، الاقراض بفائدة می‌باشد. همچنین مراجعه بیعی است که رأس المال و سود آن را به اطلاع مشتری می‌رسانند. مراجعه معامله باریح (سود) نیزمعناشده است.

مراجعه در اصطلاح

در اصطلاح، مراجعه عقدی است که در آن بایع و مشتری از قیمتی که فروشنده بابت مبیع پرداخته است، سودی که دریافت می‌دارد، خسارتها و هزینه‌هایی که متحمل شده، ثمن هزینه‌هایی که پرداخت کرده، عیبی که عارض بر مبیع شده، مدتی که شرط شده و مواردی از این قبیل کاملاً آگاه باشند، به نحوی که بایع باید بگوید مورد مراجعه فلان مبلغ برای من تمام شده است، نه اینکه بگوید آن را به فلان مبلغ خریده‌ام.

مراجعه مطابق قانون عملیات بانکی بدون ربا

مطابق ماده ۸۱ قانون عملیات بانکداری بدون ربا، مراجعه قراردادی است که به موجب آن عرضه‌کننده، بهای تمام شده‌ی تمام اموال و خدمات را به اطلاع متقاضی می‌رساند و سپس با افزودن مبلغ یا درصدی اضافی به عنوان سود، آن را به صورت نقدی، نسیه‌دفعی یا اقساطی، به اقساط مساوی یا غیر مساوی در سررسید یا سررسیدهای معین به متقاضی واگذار می‌کند.

مشروعیت مراجعه در روایات و آرای فقهای اسلامی

اسماعیل بن خالق می‌گوید: از امام کاظم (ع) درمورد معامله عینه پرسیدم و گفتم بسیاری از تجار ما امروزه معاملات عینه دارند و من برای شما توضیح می‌دهم که چه کار می‌کنند. امام (ع) فرمودند: توضیح بده. گفتم: معامله‌گری پیش ما می‌آید و درمورد کالایی که می‌خواهد باهم گفت و گو می‌کنیم، درحالی که ما کالا را نداریم. به ما می‌گوید: «به تو سود می‌دهم ده به یازده، می‌گوییم ده به دوازده و با هم چانه زنی می‌کنیم تا به توافق می‌رسیم. پس از فراغ ازتعیین سود، می‌پرسیم چه کالایی را قصد داری تا برایت بخرم؟». امام (ع) فرمود: اشکالی دراین معامله نمی‌بینم.

عبدالرحمن بن حجاج می‌گوید: از امام صادق (ع) درمورد معامله عینه پرسیدم و گفتم مردی سراغ من آمده می‌گوید، کالای خاصی را برای من خریداری کن، فلان قدر به تو سود می‌دهم. پس باهم مذاکره کرده و روی سود به توافق می‌رسیم.

سپس می‌روم کالا را به خاطر او خریداری می‌کنم به طوری که اگر درخواست او نبود، خریداری نمی‌کردم و بعد می‌آورم و به او می‌فروشم. امام (ع) فرمود: اشکالی در این معامله نمی‌بینم، مگر نه این است که اگر کالا بیش از بیع تلف می‌شد، از مال تو تلف شده بود؟ و مگر نه این که اگر می‌خواست کالا را از تو خریداری می‌کرد و اگر می‌خواست خریداری نمی‌کرد؟ اشکالی در این معامله نمی‌بینم. روایات منقول در خصوص پیشینه و تاریخچه مرابحه از چنان استحکام و وضوحی برخوردار است که جای هیچ شبهه‌ای در مشروعیت مرابحه باقی نمی‌ماند.

جواز و مشروعیت مرابحه در آرای فقهای غیرمعاصر

علاوه بر آیات و روایات فراوان در خصوص حلیت عقد مرابحه، فقهایی همچون شیخ مفید، شیخ صدوق، حرعاملی، شیخ طوسی و مخصوصاً شیخ کلینی نیز در کتب فقهی خود اشاراتی بدان نموده‌اند.

علامه حلی فرمودند: مرابحه زیاد کردن از راس المال است. و بدان که واجب است در این دو ذکر راس المال و اینکه نقل است یا نسیه و قدر زیادی و کمی از راس المال، پس بگوید که من خریده‌ام این مال را به فلان قدر یا راس المال فلان قدر است یا قیمت آن بر من فلان قدر تمام شده است. اگر عملی در آن مبیع زیاده به راس المال کرده باشد و عمل او با اجرت بوده، جایز است بگوید که راس المال این فلان قدر است و در آن فلان اندازه عمل کرده‌ام. همچنین شیخ فرمودند: «جایز نیست که انسان نسبت به رأس المال به مرابحه بفروشد، و به اینکه بگوید من این کالا را به سود یک درهم یا دو درهم می‌فروشم بلکه باید به جای آن بگوید که این کالا برای من این قدر درآمده و من او را به این قیمت (هر قیمت که بخواهد) می‌فروشم». ابوالصلاح گفته که بیع مرابحه با نسیه به ثمن جایز نیست. مانند اینکه بگوید، من در هر ده درهم از قیمت کالا یک صد درهم سود می‌خواهم. بلکه بیع مرابحه درجایی درست است که از تمام بها خیر دهد. «سایر فقهای پیشین نیز در احکام العقود، المتاجر خود با تقسیم بیع به مرابحه، مساومه، مواضعه و تولیت به بیان تعاریف و احکامی در این زمینه پرداخته‌اند. از فتوای کلام تمامی آنها یک مفهوم استنتاج گردیده و آن جواز و مشروعیت بیع مرابحه در میان نظرات آنها می‌باشد. در بیان تاریخچه مرابحه در صدر اسلام، بنا به قول شیخ کلینی، بیع ده یازده که در صدر اسلام میان مسلمانان متداول بوده همان مرابحه است.

جواز و مشروعیت مرابحه در آرای فقهای معاصر

سلسله احکام شرعی در خصوص بیع مرابحه از فقهای پیشین تا معاصر قطع نگردیده، به طوریکه فقهایی همچون آیات عظام بروجردی، امام خمینی، مکارم شیرازی، خامنه‌ای، سیستانی و تهرانی در ماهیت مرابحه و احکام آن نظراتی ارائه نموده‌اند. به عنوان نمونه، در جواز و نحوه اجرای مرابحه از فقها استفتائاتی به عمل آمده که پاسخ تعدادی از آنها نقل می‌گردد:

آیت الله العظمی خامنه‌ای فرموده‌اند: مرابحه، عبارت از فروختن به اصل مال با زیاده و سود و به طور کلی خرید و فروش کالا به صورت نسیه به قیمت بیشتر از قیمت نقد، اشکال ندارد و در حکم ربا نیست.

آیت الله العظمی مکارم شیرازی فرموده‌اند: بیع مرابحه به معامله‌ای اطلاق می‌شود که فروشنده با اعلام بهای کالای خریداری شده آن را گران‌تر از قیمت خرید بفروشد و در مورد فروش نسیه یا اقساط با قیمت بیشتر. با توجه به اینکه معمولاً قیمت در معامله نسیه با اقساط گران‌تر است این کار اشکال ندارد و ربا محسوب نمی‌شود، ولی لازم است از ابتدا نوع معامله مشخص باشد. آیت الله العظمی نوری همدانی فرموده‌اند: در عقد مرابحه لازم است اخبار به اصل قیمت صحیح باشد و ربح و سود زاید بر اصل نیز معلوم و معین باشد و با حفظ شروط صحت، بلامانع است.

با کمی دقت نظر در نظرات مذکور توافق و تفاهم اکثر مراجع تقلید در خصوص مشروعیت مرابحه استنتاج می‌گردد.

حال نوبت بانکهاست که با تغییر و تحول در شیوه‌های عملیاتی خود جای این عقد را در شبکه بانکی باز کرده و به طور کاربردی‌تر از آن استفاده نمایند. آنچه میان بانکها به عنوان رعایت بهداشت اعتباری شایع می‌باشد، چیزی جز تبعیت از احکام و موازین شریعت مقدس نیست. شایان ذکر است، مرابحه به عنوان یکی از انواع بیع، یکی از عقود فقه اسلامی است که کمتر اختلافی در موازین و اجرای آن میان فقهای اهل سنت و شیعه مشاهده می‌شود.